

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پایاده سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

عبادات حضرت زهرا علیها السلام

رفتارهای عبادی و انجام عبادات روحیه‌ی عبودیت را در انسان ایجاد، تقویت و تثبیت می‌کند، یعنی در همان نماز خواندن، روزه گرفتن، دعا کردن، راز و نیاز کردن با خدا، طواف کعبه و همه‌ی اعمال عبادی اگر روحیه‌ی عبودیت ایجاد شد، به فرموده‌ی منسوب به امام صادق علیه السلام الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُّوِيَّةُ: عبودیت گوهری است که کنه آن پروردگاری است، یعنی از راه عبادت به عبودیت و از عبودیت به خداگونگی راه پیدا می‌کند. در حدیث قدسی است که خدا فرمود: عبدی أَطْعَنِي حتی اجعلک مثلی: ای بنده‌ی من! بندگی مرا پیشه کن تا تو را مثل و نماد و نمودی از خودم قرار دهم یعنی خداگونه شوی. انسان از راه عبودیت به مقام ولایت می‌تواند راه پیدا کند. عشق به عبادت ارزش بسیار بزرگی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ: برترین انسان‌ها کسی است که عاشق عبادت است. فَعَانَقَهَا: با عبادت هم‌آغوش است و أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ: و با همه‌ی ظرفیت قلبش به عبادت عشق می‌ورزد و بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ: و با پیکر خودش همواره در کنار عبادت نشسته و تَفَرَّغَ لَهَا: و فضای زندگی خودش را برای پرداختن به عبادت و با معشوق خود تنها بودن خلوت می‌کند. یکی از جنبه‌های بسیار درس‌آموز شخصیت حضرت زهرا علیها السلام عبادات آن بزرگوار است که به نمونه‌هایی از روایاتی که در بحث عبادت حضرت است اشاره می‌کنیم.

۱- إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسَلُّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه دخترم وقتی در محراب خویش به نماز می‌ایستد، هفتاد هزار ملک از ملائکه‌ی مقرب الهی بر او درود می‌فرستند و با همان عباراتی که مریم مادر عیسی علیه السلام را مخاطب قرار دادند به او خطاب می‌کنند و می‌گویند: ای فاطمه! خدای متعال تو را برگزید و تو را معصوم و پاک و طاهر قرار داد و تو را بر همه‌ی زنان جهانیان برتری داد.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۵۳.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۲- وَ قَالَ الْحَسَنُ عليه السلام: مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنْتَ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمَ قَدَمَاهَا: ^۱ در دنیا کسی عابدتر از

فاطمه عليها السلام وجود نداشت. او آن قدر در عبادت بر روی پاها می ایستاد تا جایی که پاهایش متورم می شد.

دقیقاً شبیه همان حالتی که راجع به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت آن قدر شبها تا صبح در خلوتگاه عبادت

در حالی که بر پا ایستاده بودند به راز و نیاز با خدا می گذراندند که پاهایشان متورم شد که آیه نازل شد: طه؛ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى: ^۲ ای پیامبر! قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که این گونه خود را به مشقت بیندازی.

۳- پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ: و اما دخترم فاطمه عليها السلام او سرور همه ی

زنان جهان است، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ: از اولین و آخرین در تمام طول تاریخ، وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي: و او پاره ی تن من است، وَ

هِيَ نُورٌ عَيْنِي: و او نور دیدگان من است، وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي: و او ثمره ی قلب من است، وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي: و او جان

من است که درون من جای دارد، وَ هِيَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ: و او حوریه ای است بهشتی که در پیکر انسانی ظاهر شده است، مَتَى

قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهْرٌ نُورَهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ: هنگامی که او در

محراب خودش در پیشگاه پروردگار بزرگ خویش به عبادت می ایستاد، نورش برای ملائکه ی آسمانها می درخشید

همان گونه که نور ستارگان در شبها برای زمینیان درخشش دارد، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي

فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِضَهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شِبَعَتَهَا مِنَ

النَّارِ: ^۳ و خدای متعال به ملائکه می فرماید: ای ملائکه ی من به کنیز و بنده ی من فاطمه عليها السلام بنگرید که سرور بندگان و کنیزان

من است که چگونه در پیشگاه من به عبادت ایستاده، در حالی که از خوف من تمام ارکان و اجزای بدن او می لرزد و با تمام

قلب خود به من رو آورده است. من شما را شاهد می گیرم که شیعیان او را از آتش دوزخ در امان دارم.

۴- رُويَ أَنْ عَلِيًّا اسْتَقْرَضَ مِنْ يَهُودِيٍّ شَعِيرًا: روایت شده امیرالمومنین عليه السلام از یک یهودی در مدینه مقداری جو خواست

گرو بگیرد و قرض کند، حالا ببینید امیرالمومنین عليه السلام پسر عم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان روای جهان اسلام و داماد رسول

خدا صلی الله علیه و آله با چه ساده زیستی و زهدی زندگی می کنند که ناگزیر می شوند برای اینکه غذای خودشان را تهیه کنند از یک فرد

یهودی مقداری جو قرض کنند، فاسترهنه شئنا: (آن فرد یهودی گفت) چیزی نزد من گرو بگذار تا من به تو بدهم، فدفع إليه

ملاءة فاطمة رهنًا: حضرت علی عليه السلام چادری (پوششی که نازک بود) و متعلق به فاطمه ی زهرا عليها السلام بود را گرو گذاشت، وَ

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

۲- سوره ی طه، آیات ۱ و ۲.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.

كَانَتْ مِنَ الصُّوفِ: و این چادر پشمینه بود (می‌دانید پارچه پشمی خیلی خشن است و بدن را هم می‌آزارد)، فَأَدْخَلَهَا الْيَهُودِيُّ إِلَى دَارٍ وَوَضَعَهَا فِي بَيْتٍ: یهودی وارد خانه شد و این عبا ی پشمینه را در اتاقی گذاشت، فَلَمَّا كَانَتْ اللَّيْلَةُ دَخَلَتْ زَوْجَتُهُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْمَلَأَةُ بِشُعْلٍ فَرَأَتْ نُورًا سَاطِعًا فِي الْبَيْتِ أَضَاءَ بِهِ كُفْلَهُ: وقتی شب شد همسر این شخص یهودی وارد اتاقی شد که این عبا یا چادر در آنجا بود و دید نوری در داخل اتاق می‌درخشد که تمام اتاق را روشن کرده است، فَأَنْصَرَفَتْ إِلَى زَوْجِهَا فَأَخْبَرَتْهُ بِأَنَّهَا رَأَتْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ ضَوْءًا عَظِيمًا: و زن به نزد شوهرش بازگشت و به او خبر داد در داخل آن اتاق نور بسیار شدیدی را دید، فَتَعَجَّبَ الْيَهُودِيُّ زَوْجُهَا: شخص یهودی از این حرف همسرش به شدت متعجب شد، وَقَدْ نَسِيَ أَنْ فِي بَيْتِهِ مَلَأَةٌ فَاطِمَةَ عليها السلام: و فراموش کرده بود در داخل آن اتاق چادر یا عبا ی فاطمه عليها السلام را قرار داده، فَتَهَضَّ مُسْرِعًا وَدَخَلَ الْبَيْتَ فَإِذَا ضِيَاءُ الْمَلَأَةِ يَشْرُ شِعَاعَهَا كَأَنَّهُ يَشْتَعِلُ مِنْ بَدْرِ مُبِيرٍ يَلْمَعُ مِنْ قَرِيبٍ: به سرعت برخاست و وارد آن اتاق شد یکباره دید به نحوی نور از آن چادر (عبا) ساطع می‌شود که نورش مثل ماه درخشانی است که از فاصله نزدیک از خود نور می‌پراکند، فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ فَانْتَعَمَ النَّظَرَ فِي مَوْضِعِ الْمَلَأَةِ فَعَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ النُّورَ مِنْ مَلَأَةِ فَاطِمَةَ عليها السلام: (از این نور شدید) شگفت‌زده شد و چشمش را به نقطه‌ای که نور از آن ساطع می‌شد دوخت، دید همان محلی است که چادر فاطمه عليها السلام است، فَخَرَجَ الْيَهُودِيُّ يَعْذُو إِلَى أَقْرَبَائِهِ وَ زَوْجَتُهُ تَعْدُو إِلَى أَقْرَبَائِهَا فَاجْتَمَعَ ثَمَانُونَ مِنَ الْيَهُودِ فَرَأُوا ذَلِكَ فَاسْلَمُوا كُلُّهُمْ: آن شخص یهودی با دیدن این صحنه خارج شد و به نزد خویشاوندان خود رفت و آنها را برای دیدن این صحنه به خانه‌ی خودش دعوت کرد. همسر آن شخص هم خویشاوندان خود را دعوت کرد و آنها هشتاد نفر از یهود بودند که در این خانه جمع شدند و در اثر مشاهده‌ی این نور همگی آنها مسلمان شدند.

۵- وَ رَهَنْتُ كِسْوَةَ لَهَا عِنْدَ امْرَأَةِ زَيْدِ الْيَهُودِيِّ فِي الْمَدِينَةِ وَ اسْتَقْرَضَتِ الشَّعِيرَ: (شاید این همان داستان باشد) فاطمه‌ی زهرا عليها السلام جامه‌ای را که متعلق به خودش بود، نزد همسر زید یهودی در مدینه گرو گذاشت و مقداری جو از او قرض کرد، فَلَمَّا دَخَلَ زَيْدٌ دَارَهُ قَالَ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ فِي دَارِنَا: وقتی زید وارد خانه‌اش شد گفت: این نور در داخل خانه‌ی ما چیست؟ قَالَتْ لِكِسْوَةِ فَاطِمَةَ: گفت: این نور متعلق به جامه‌ی فاطمه‌ی زهرا عليها السلام است، فَاسْلَمَ فِي الْحَالِ: آن شخص یهودی همان‌جا مسلمان شد، وَ اسْلَمَتِ امْرَأَتُهُ وَ جِيرَانُهُ: همسر و همسایگان او نیز مسلمان شدند، حَتَّى اسْلَمَ ثَمَانُونَ نَفْسًا: تا اینکه هشتاد نفر (در اثر دیدن این صحنه) مسلمان شدند.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۷.

۶- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ فَاطِمَةَ لِمَ سَمَّيْتُ زَهْرَاءَ؟ از امام صادق علیه السلام سؤال کردم چرا حضرت فاطمه علیها السلام زهرا نامیده شد؟ فَقَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ إِذَا قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا زَهْرَ نَوْرُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نَوْرُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.^۱ به خاطر اینکه هنگامی که در محراب عبادت خودشان قیام می‌کردند (به نماز) نور فاطمه علیها السلام برای اهل آسمان‌ها می‌درخشید همان‌گونه که نور ستارگان برای زمینیان درخشش دارد.

۷- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (خیلی سلسله‌ی نورانی‌ای دارد) قَالَ رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمُعَتِهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْتَضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْثُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ: دیدم مادرم فاطمه علیها السلام در شب جمعه‌ای در محراب عبادتش پیوسته عبادت می‌کرد و در حال رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده‌ی صبح دمید و خودم شنیدم که مادرم برای زنان و مردان مؤمن دعا می‌کردند اما برای خودشان دعا نمی‌کردند، فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ: عرض کردم: ای مادر! چرا برای خودت همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنی دعا نمی‌کنی؟ فَقَالَتْ يَا بِنْتِي الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ: فرمودند: ای پسرکم! اول همسایه بعد اهل خانه.

۸- عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا: حضرت فاطمه علیها السلام هنگامی که دعا می‌کردند برای زنان و مردان مؤمن دعا می‌کردند و برای خودشان دعا نمی‌کردند، فَقِيلَ لَهَا يَا بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكَ تَدْعِينَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ: ای دختر رسول خدا برای دیگران دعا می‌کنید اما برای خویشتن دعا نمی‌کنید؟ فَقَالَتْ الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ: حضرت فرمودند: اول همسایه بعد اهل خانه.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۲.